



موضوع پژوهش :

ترجمه بخشی از کتاب « بنت الهدی سیرتها و مسیرتها »

نام مترجم :

رضا کاوسی

سال تحصیلی :

۹۶-۹۷

پایه تحصیلی :

سورة

اوضاع سیاسی و امنیتی بارز در زمانی که شهید بنت الهدی مبارزه و فعالیتش را ادامه میداد از سخت ترین روزگاری است که عراق می شناسد و بخصوص دوره ای که از انقلاب هفدهم تا سی ام ماه جولای سال ۱۹۶۸ میلادی و تا روز که به شهادت رسید، این دوره ی سیاه از تاریخ عراق را عراقی ها بخصوص مردم متدین عراق به دوره تاریکی تعبیر می کنند

و ما قبلا در کتاب شهید صدر (سالهای سختی و روزهای محاصره) اوضاع و واکنشهای دولت حزب بعث و روش های جنایتکارانه شان در سرزنش مومنان و آزار و اذیتشان و ظلم و ستم بر ایشان را بیان کردیم. و شکی نیست که بخش بزرگی از آن چیزهایی که بر شهید صدر عارض می شد برای شهید بنت الهدی نیز پیش می آمد چه بصورت مستقیم و چه غیر مستقیم. و در واقع می خواهیم بگوییم یکی از مسائلی که شهید صدر را در فعالیت و مبارزه اش نگران می کرد، مسئولیتش برای محافظت و سلامتی خواهرش شهید بنت الهدی بود به خاطری که او زن بود و زن آبرویی است که پاسداری از آن واجب است. گر چه این مساله در عملکردش بر آنچه که باورش برآن - ضروری بودن رویارویی با حکومت - بود، بازتابی نداشت. و بعضی ها ممکن است شگفت زده شوند.

و فقط کسی می تواند این نگرانی را درک کند که حکومت عراق را بشناسد و با جنایت های آن آشنا باشد

قطعا این گروه جنایتکار بدتر از کسانی هستند که به طور آشکار با سید الشهداء در یک روز جنگیدند.

من با شما جنگ دارم و شما با من و زنان هیچ گونه چاره ای ندارند پس مردان طغیانگر و نادان خود را از تعرض نسبت به حریم من بازدارید.

عمر سعد از به قتل رساندن خانم و سرور ما حضرت زینب سلام الله علیها ممانعت کرد در حالی که هزاران ندا صدام را از کشتن بنت الهدی ابائی نداشت، زیرا که یک مجرم فقط به تهدید و کشتار و عذاب ایمان دارد و این زندانها شهادت میدهند این حلبچه و شهرهای ایران که خانه هایش را بر سر صاحبانش اوار گرداند و در نهایت کشور کویت، آن را مباح شمرد گویا رژیم صهیونیستی را مباح شمرده است و جنایت خود را یک رویداد تاریخی نیک دانست و آن را ام المعارک (مادر جنگها) نامید و از جمله جنایتهای او در جنگ کویت دزدیدن زنها و عذاب دادن ایشان و کشتارشان بوده که این حقایق معاصر صرفا تهمت هایی بیش نبوده است موثق است و در فیلمهای ضبط شده می باشد. و منظور این است که شهید صدر این واقعیت را از این نظام قبل از دیگران می دانست.

و شهید بنت الهدی هم از خیلی وقت پیش این جنایتها را می دانست و در مقابله با آن ها در چنین فضایی کار و تلاش میکرد و به علت احساس مسئولیت و تکلیف شرعی با الهام فعالیت می کرد.

و به یاد دارم زمان بازداشت ایشان وقتی دستگاه حکومتی صدام به خانواده ها اجازه ی خارج شدن از منزل را دادند به ایشان گفتم : قطعاً شما با هماهنگی سید صدر میتوانی پنهان شوی زیرا که وقتی سید را به شهادت برساندتو را هرگز رها نمی کنند و سخنرانی را که در صبح هفدهم رجب القا کردی برای دستگیری ات، کافی است.

شهید بنت الهدی ره گفت: هرگز...من در کنار برادرم میمانم، نه به این خاطر که برادرم است بلکه وظیفه من است.

من کسی بودم که با او بیعت کردم، نه با حکم و شعار بلکه با مرگ بیعت کردم پس چه چیزی را فردای قیامت نزد خداوند خواهم گفت زمانی که از بیعتم پرسیده شود.

علاوه بر آن قطعاً پنهان شدن من بیشتر خواهد شد به خاطر سخت تر شدن سلطه ی حکومت بر دیگران سپس گفت : اگر من آن کار را انجام داده بودم و مردم نیز بر آن پی برده بودند بعداً این گونه تفسیر خواهند کرد که ما ترسیده ایم یا بی صبری کرده ایم. در حالی که من قسم می خوردم به خدا که این گونه نیستم و صبور باقی خواهم ماند تا خداوند حکمش را جاری سازد. هر از چند گاهی از او این کار را می خواستم . برای این که می دانستم که میل و رغبت سید شهید رحمه الله علیه بیشتر به تنهایی گزیدن بود تا با خانواده باشد برای آن که آن ها در آرامش باشند و تا فشاری متوجه او بود متوجه خانواده اش نشود. و او دائماً می گفت این ها گناهی ندارند که به خاطر من بخواهند از باقی جدا شوند و گوشه گیر شوند. سلطه ی حکومت هیچ قاعده و قانونی نمی شناسد. هیچ مکانی برای خویشان و نوامیس در فرهنگ لغت خود ندارد! و شهید بنت الهدی نیز میدانست که هیچ حمایتی که او را از ظلم و ستم ها و انتقام ها نیست، با این وجود اصرار می ورزید بر انجام دادن تکالیف دینی و واجباتش.

نقش فرهنگی و تبلیغی بانو شهیده

شهید بنت الهدی چندین نقش اساسی در جهاد فرهنگی، تربیتی، و تبلیغی، داشت که آنها را اینجا مختصر به عرض میرسانیم:

اول: مدارس زهراء

خانم شهیده بنت الهدی از جمله ی مؤسسين و سهام داران در ساختار و ایجاد مدارس الزهراء در بغداد، کاظمیه و نجف به شمار میرود که در سال ۱۹۶۸ است هدف آن تنها در نظر گرفتن نیاز های جامعه از مدارس ابتدائی و ثانوی نبود با وجود کفایت نمودن مدارس دولتی برای گنجایش همه دانش آموزان موجوده باز هم ضرورت به تأسیس این مدارس بود که با فرهنگ های مادی که به سوی فساد، انحراف، و تخریب اخلاق دعوت میکردند، رویاروی می شد و برای فرهنگ درست اسلامی و آگاهی برای ارتقاء زنان می کوشید.

در این هیچ شکی نیست که مدارس بهترین شیوه برای آموزش و تربیت نسل ها است و این یک روشی است که مناسب عصر و خواسته های آن است و به دست آورده شده است موافقت بر تأسیس این مدارس و اعتماد بر مواد درسی اش در مدارس دولتی. و یکسان است اینکه در مرحله ی ابتدائی باشد یا ثانوی. تا که مانع دانش آموزان نشود برای ادامه دادن درس هایشان بعد از انتهای درس ها در مدارس الزهراء و اضافه بر آن تعدادی از مواد درسی آن پیرامون عقیده و تربیت اسلامی است که به شکل مطبوع و استوار است.

خواهر داروساز درحالی که او مدیر یکی از مدارس الزهراء بود در مقاله اش می گوید:

گرایش دوم توجه و عنایت به تربیتی اسلامی و هدفمند نسل تازه جوان از دختران است و این امر صورت نمی گیرد جز از طریق ایجاد مدرسه ای اسلامی که متخصص این امور باشد و به این گونه مسولیت ها اهتمام بورزد و به این وظیفه مشغول باشد که نسلی از دختران شایسته ی هوشیار (آگاه) و مذهبی فارغ التحصیل کند تا این دختران مسئول ساخت جامعه باشند و تصویری حقیقی از یک زن مسلمان فعال و آگاه را به جامعه مسلمان را نشان دهند و اولاً مسولیت حیاتی زن را نشان دهند. و برای ساخت ستون اساسی جامعه ی مسلمان و آن خانواده ی متدین و مذهبی که آگاه به دین و تکالیفش می باشد.

شهید بنت الهدی در تاسیس مدارس بومی رسمی مشارکت داشت که پیرو روش دولتی بودند الا اینکه این شهیده دو ماده یا بیشتر برای تربیت نسل جدید به آن افزود. در این مدارس معلمان دانشگاهی که دارای شایستگی های علمی

بالایی و امتیازاتی خاصی بودند؛ تدریس می کرد از جمله تعهد اسلامی تا الگویی برای دانشجویان دختر باشد و این مدارس به مدارس الزهرا ویژه دختران نامیده شد که مرکز این مدارس بغداد - کاظمیه - بود که شامل مهد کودک؛ مدرسه ابتدایی و راهنمایی بود. و وظیفه او تدریس دروس اسلامی (عقیده - پرورش اسلامی) به دانشجویان دختر و کلاس های بالاتر برای مقطع ابتدایی. و نقش مهم اعطای فرهنگی اسلامی به زنان معلم و مدرس بود که گردهمایی هایی (نشست های) برگزار می شد مخصوصا بعد از پایان سال تحصیلی مدرسه به حدی که حضور در این نشست اجباری بود بود.

این مدارس میزان موفقیت های بسیاری (در امتحانات وزارتخانه ها) در بین مدارس دولتی کسب کرد حتی آوازه علمی و تربیتی آن مشهور و معروف شد و توجه مردم به این مدارس زیاد شد به خاطر رتبه ای که کلاس های آن داشت نه ظرفیت دانشجویان دختر آن و بنت الهدی در این مدارس نقش راهنما و مشاور ایفا می کرد و سه روز در هفته به آنجا می آمد و روزهای دیگرش را در مراکز آموزشی نجف اشرف می گذراند.

تلاش های شهید بنت الهدی با وجود کمبود امکانات و فشارهای امنیتی و سیاسی و اجتماعی نتایج خوب و مبارکی را به ثمر رساند. این خانم دارو ساز در خود مقاله اش می گوید: برای من خوشحال کننده است که در اینجا یعنی در انگلیس و کشورهای خلیجی گروهی از فارغ التحصیلان مدارس الزهرا را داشته باشم و من خوش حالم از اینکه آرزوهای شهید بنت الهدی محقق شده است _ او چه قدر آرزو داشت گل هایی از این مدرسه که همان همسران و مجاهدان هستند به شکوفایی برسند _ بهترین جهاد زن شوهر داری است، بلکه سفارش شده که آن ها از همان ابتدا یاد بگیرند تا اینکه شاخه های تنومند فرزندان شان را پرورش دهند. علاوه بر اینکه مدارس الزهرا از سطح بالایی از دانش آموزان زن به دست آورده اند، بخش بزرگی از جامعه زنان را فراخوانده اند تا یاد بگیرند.

مدارس الزهرا یک فرصت مناسبی برای فراگیری تعلیمات دینی مذهبی بود. بنابر این ما باید بدانیم شهید بنت الهدی ره با درک این موضوع تمام تلاش خود را برای استمرار و مشروعیت بخشیدن به این موضوع کرد و مشقت و سختی بسیاری در این راه تحمل کرد و وقت و مال و خودش را در این راه نثار کرد و به همین منظور همیشه بین نجف و بغداد در حال رفت و آمد بود و همچنین برای تدریس وقت زیادی می گذاشت. تا اینکه به وی ام فرقان در کتابهایش لقب دادند که به وی قهرمان نجف نام نهادند این همان تلاش وی در آن دوران بود تا اینکه خود وی فرموده من روز را در اداره گذراندم و ظهر را به امورات منزل خود پرداختم و در عصر خود را برای برگزاری جلسات درس تدریس فقه - شریعت های اسلامی در خانه مهیا نمودم و در شب به مطالعه کتاب های اسلامی می گذراندم و همچنین می گوید: همانا من به خاطر کثرت مشغولیت و تلاش و کوشش در عمل نماز ظهر و عصرم را با وضوی نماز صبح به جا

می آوردم. و در بعضی از اوقات نماز مغرب و عشاء را نیز با وضوی نماز صبح به جا می آوردم. به سبب آن چیزی که مدارس الزهرا به آن از سطح بالایی که شهرتش گسترش پیدا کرده بود در جامعه شایسته ی احترام و تقدیر است و این یکی از اسبابی بود که حکومت را وادار به صدور قرارداد سال ۱۹۷۲ میلادی کرد. که حکم می کرد ملحق شدن آن به وزارت تربیت و حکم می کرد به نقل مسئولیت مدیریت کل بر آن به وزارت و در این تاریخ شهید بنت الهدی استعفاء داد و دست از کار کشید.

دوم: تدریس و برپایی گفت و گوها

مرحوم شهید بنت الهدی صدر دارای روش گسترده ای در امور فرهنگی بودند به صورتی که مهمترین بخش های آن در حال حاضر تدریس می شود. و مشکلی که پیش روی روش معمولی کتاب های درسی حوزوی بود این بود که این کتاب ها برای تدریس نوشته نشده بودند و فاقد روش روشنی برای فهم و تسلط طلاب بر آن ها بودند. جدای این که چاپ بد و نگارش های قطعه قطعه که به چاپ سنگی مشهور هستند.

به علاوه این که محتوای درسی حوزه های علمیه دارای مواد متفاوت و اصطلاحات خاصی بودند که معمولاً این اصطلاحات برای بسیاری از مردم غیر مانوس و ناشناخته بود به صورتی که فهم آن ها برای مراجعه به استادی زبردست امکان پذیر نمی بود.

این مشکلات ادامه داشت مگر آن که شهید بنت الهدی توانست به سبب نزدیکی با برادرانش مرحوم سید اسماعیل صدر و شهید جاودان سید صدر قدس الله سرهما بر این مشاکل غلبه پیدا کند و از سر آن ها عبور کند. و بدین صورت توانست بر محتوای علمی حوزوی خصوصاً علوم فقهی و اصولی احاطه پیدا کند به طوریکه به تدریس این دروس در مراتب بالا پردازد.

هدف حقیقی او از برپایی جلسات درس در منزل فقط پرورش طلاب خواهر نبود بلکه هدفش این بود که آن ها را برای تحمل مسئولیت در آینده و برای تمرین این وظیفه آماده کند. نیروهای توانمند علمی بانوان را برای ایجاد حوزه های علمیه ی خواهران بیافریند تا نقش علمی در نشر معارف اسلامی از طریق منابع دست اول تحمل کنند.

شهید بنت الهدی توانست گام بزرگی را در این راه بردارد و جلسات تدریسش را توسعه بخشید و تعداد جلسات را بیشتر کند. مگر این که اوضاع امنیتی و حساسیت رژیم حائلی شد بین او و ادامه یافتن فعالیت هایش به آن شکلی که

دوست داشت انجام دهد. به طوریکه در اواخر عمرش به تعداد کمی از طلابی که به آن ها اعتماد داشت اکتفا می کرد. و فعالیت ها را با آن ها جلو می برد.

شهید بنت الهدی ره در راستای تدریسش نشست های فرهنگی مذهبی برای عموم تنظیم کرد که در آن ها معارف اسلامی را با اسلوب های منسجم و نیاز و اقتضات آن زمان طرح می کرد و این نشست ها به موفقیت های بی نظیری دست یافت و نظر گروه های مختلف بانوان را به خود جلب کرد. شهید بنت الهدی رحمه الله علیه یک مرتبه درباره ی آن دسته از مسائلی که به آن ها اشتیاق داشت درباره ی مسئله ی پیشرفت مجالس عزاداری حسینی بانوان صحبت کرد و پیشرفت آن را تا سطحی که باید به آن برسد مطرح کرد. و نقشی که باید این پیشرفت در فرهنگ سازی مذهبی دینی اصیل در نسل های زنان ایفا کند صحبت می کرد. و این مسئله ی مهم دغدغه ی دائمی شهید بنت الهدی بود به طوریکه دائما به آن فکر می کرد و تلاش می کرد برای آن چیزی که در آینده پیش می آید برنامه بریزد به این امید که به قدرتی برای تغییر دست یابد. همان طور که درباره ی تجدید نظر در مراسماتی که برای ازدواج برپا می شد می اندیشید به طوریکه این مراسمات همراه با اخلاق و آداب اسلامی شکل بگیرند و این مراسمات فرصت مناسبی برای فهم حقیقت ازدواج در اسلام و اهدافش و آن چه که میبایست زن و مرد بر آن پایبند باشند شکل گیرد. مثل اخلاق متعالی و اتحاد و انسجام و عدم توجه به امور مادی باشند. به گونه ای که صورت شادی و نشاطی که در خور این مناسبات بود حفظ شود.

شهید بنت الهدی صدر پیشگام در نویسندگی و تالیف کتاب و استفاده از روش داستانی در جهت انتقال و رساندن اندیشه ها و راهنمایی ها و دستورعمل ها شناخته می شود. به او صفت رهبر و پیشگام را نسبت می دهم چون در نجف با وجود این که دارای حوزه ی علمیه و مرجعیت دینی می باشد هیچ گاه نویسنده ی مسلمانانی که از او در این زمینه ها سبقت گرفته باشد نمی شناسیم. با وجود این جایگاه همواره متواضع و ساده زیست بود و به دنبال شهرت و شهرت پرستی نبود. و بنا بر آن چه می شناسم از او کتاب هایش را نادیده می گرفت. گویا که اصلا کتابی برای او نیست و هیچ پیوندی نیست که او را به

آن کتاب ربط دهد. هرگز نشنیده ایم که او لحظه ای به کتاب هایش افتخار کند یا به خاطر تمجید های شخصی نفسش شادمان گردد. بلکه تمام همت و دغدغه اش خدمت کردن به اسلام به آن مقداری که برایش ممکن است یا مشارکت کردن در ایجاد بیداری اسلامی بود. و آن چه که این حقائق و مطالب را تایید می کند انتخاب کردن اسمی که شهید آمنه صدر برای خودش برگزید. بنت الهدی که همه ی ما او را به آن اسم می شناسیم به خاطر دوری از شهرت و ریا و خودپرستی و هیچ دلیل شرعی برای نوشتن اسم واقعی اش نیست. همان طور که این نوشتن اسم واقعی اش به خاطر

شرایط امنیتی نبوده است، زیرا برای صدور اجازه ی انتشار و کتاب در عراق دستگاه نظارت بر انتشارات فقط به وسیله ی شناخت اسم حقیقی این اجازه را می دهد. پس دلیل انتخاب اسم دیگر، انکار خودخواهی و بی اهمیتی به شهرت می باشد.

شهید بنت الهدی قلم زدن و نوشتنش را در «مجله الاضواء» که جماعتی از علما آن را صادر کردند و همچنین در «مجله الایمان» که مرحوم شیخ موسی یعقوبی آن را انتشار کرد.

نوشته های ایشان منحصر به فرد بود. با نگاهی به آثارش در میابیم که نوشته های او از روحی تازه و فکری بارز و روشن برخوردار است و علاوه بر آن قلمش دارای گویایی بیان و شیرینی خاصی است و در پی علاج مشکلات دنیای امروز است. او به شدت از خودنمایی های پوچی که هدفی جز ابراز شخصیت و مشهور شدن در حیات مردم ندارد پرهیز مینمود.

سوم: تالیفات شهید بنت الهدی

۱) الفضیله تتصر

۲) الخاله الضائعه

۳) امراتان ورجل

۴) صراع

۵) لقاء فی المستشفی

۶) مذكرات للحج

۷) لیتنی کنت اعلم

۸) بطولات الامراه المسلمه

۹) کلمه ودعوه

۱۰) الباحث [عن الحقیقه

۱۱) المرآه مع النبی

ایشان تالیفات خطی دیگری نیز دارند که حزب حاکم بعث عراق آن‌ها را به همراه کتب شهید سید محمد باقر صدر که در خانه‌ی ایشان نگه‌داری میشد را مصادره نمود و چاپ نشد، برخی از آن‌ها هنوز نگهداری می‌شوند.

چهارم: سفرهای حجش

« فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ »

قلب شهید بنت الهدی هوای خانه‌ی خدا و مکان‌های مقدس را می‌کرد. در آن دیار مقدس وقتی موسم حج می‌رسید حالت شوق و فرح عجیبی به او دست میداد که تمام زوایای روحی او را پر می‌کرد و او را میدی که مجذوب خداوند گشته بود. حقیقتاً گویا می‌خواهد که به یاد آورد روزهای ابتدایی اسلام مهر پاکش با بانوان مسلمان در عصر رسالت زندگی کند و سنگینی بار رسالت را روی دوش آن‌ها ببیند. او عزم و تصمیم را از آن‌ها به دست آورد.

شهید بنت الهدی همچون مبلغ دینی در یکی از کاروان‌هایی از بغداد و کاظمین به حج می‌رفت و به زن‌ها مسائل حج و احکام آن را می‌آموخت و از نظر فقهی احاطه به فتوای بسیاری از مراجع داشت و سؤال هر مقلدی را متناسب با مراجع خودش پاسخگو بود و گاهی اوقات برخی مسائل شرعی کمیاب رخ می‌داد که در رساله‌ی عملی فقها موجود نبود، در این صورت، به شکل تلفنی با شهید صدر ارتباط برقرار می‌کرد و حکم شرعی را از او طلب می‌کرد.

و در گوشه‌ای فعالیت‌های دینی متناسب به سطح قافله برگزار می‌کرد و این چنین تلاش می‌نمود که بر او ضاع و احوال مسلمین در گوشه‌گوشه‌ی عالم، مطلع گشته و فرهنگ اسلامی درست را مناسب با اقتضای احوال آن‌ها نشر می‌داد.

و از جمله خاطرات من از شهید بنت الهدی این است که یک سال از خواستند که به نیابت از یک بانویی از استان نیریزان شهرستان الاماره حج به جا آورد پس از من خواست که او را تا آن شهر همراهی کنم. این عمل را عجیب دانستم و از علت این درخواست پرسیدم. گفت: من مکلفم که از خانمی از شهر الاماره حج به جا آورم و می‌خواهم نیت حج نیابی کنم از جانب او. در همان مکانی که در آن جا بود. تا یقین کنم بریء الذمه شده است. بر همین اساس شرایط سفر از نجف به شهرستان الاماره را مهیا کردم تا نیت حج را از همان جا کند به نیابت از آن خانم و در همان روز بازگردد.